

نقد و بررسی قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک

نویسنده: حبیب طالب احمدی*

چکیده: چک به عنوان ابزار پرداخت، رایجترین سندی است که در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. سوءاستفاده از این سند موجب شد قانونگذار قانون مستقلی برای آن وضع کند و از دارنده آن حمایت کیفری کند. مقررات مربوط به چک بارها مورد اصلاح قرار گرفت و در این اصلاحات بر قلمرو کیفری آن افزوده شد ولی هیچ یک از این مقررات نتوانست چک را به عنوان جایگزین پول در روابط اقتصادی به جایگاه اصلی خود بازگرداند. در آخرین اقدام، قانونگذار از بیشتر فروض کیفری چک جرم‌زدایی کرد، مجازات صدور چک بلامحل با مبلغ آن متناسب گردید و هماهنگ با عرف تجاری، چک به عنوان وسیله پرداخت وعده‌دار شناسایی شد.

کلید واژه‌ها: چک، چک بلامحل، چک پرداخت نشدنی، اسناد تجاری، جرم‌زدایی.

۱. درآمد

مقررات مربوط به چک بارها به طور کلی اصلاح شده است که دلیل تغییر این مقررات را می‌توان علاوه بر شیوع استفاده از چک در روابط مالی - و بالطبع سوء استفاده‌هایی که از آن صورت می‌گرفت - در ناکارآمدی مقررات مربوط بدان دانست. به‌رغم تمام تلاشهایی که در وضع مقررات مربوط به چک انجام شده است هنوز این سند تجاری جایگاه اصلی خود را نیافته و قسمت عمده‌ای از پرونده‌های قضائی مربوط به آن است. هر روز نیز آمار زندانیان مربوط به چک نسبت به سایر جرائم افزون‌تر می‌شود. تمام این مسائل اقتضا می‌کرد قوه مقننه با تدوین مقررات اصلاحی، راه‌حلی برای مشکلات مذکور ارائه کند؛ که پس از تبادل نظرهای فراوان میان قوه قضائیه، بانک مرکزی و کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی و پس از مدت‌ها مسکوت ماندن پیشنهادها در مجلس در نهایت «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» مشتمل بر هشت ماده در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲ به تصویب رسید و پس از تأیید شورای نگهبان در مورخ ۱۳۸۲/۷/۹^(۱) منتشر شد. این نوشتار بر آن است تا با بررسی قانون اصلاحی اخیرالتصویب چک و مقایسه آن با مقررات قبلی نقاط قوت و ضعف آن را تبیین کند.

۲. شیوه اصلاح قانون

مقررات چک ابتدا در قانون تجارت پیش‌بینی شد و سپس به سال ۱۳۱۲ در ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی مقرراتی کیفری برای آن وضع گردید. بعدها چون استفاده از این سند همراه با مشکلات مربوط به آن رواج یافته بود، ناگزیر مقررات مستقلی تحت عنوان لایحه قانونی چک در سال ۱۳۳۱ به تصویب رسید. این قانون دو سال بعد لغو و در سال ۱۳۳۷ قانون جدیدی تصویب شد. این قانون نیز جای خود را به قانون صدور چک ۱۳۴۴ داد و نهایتاً قانون صدور چک ۱۳۵۵ در بیست و دو ماده جایگزین آن شد و به موجب آخرین ماده آن، قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ گردید. در سال ۱۳۷۲ «قانون اصلاح موادی از قانون

صدور چک مصوب تیرماه ۱۳۵۵^۱ در هشت ماده تصویب شد که با اضافه کردن یک ماده به مواد قانون صدور چک، هفت ماده آن را به طور جزئی اصلاح کرد. ماده واحده الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۰^۲ و استفساریه آن در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت. در تاریخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۴ قانون اصلاح ذیل تبصره یک ماده چهارده قانون صدور چک و الحاق یک تبصره به آن در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و نهایتاً قانون اصلاحی سال ۱۳۸۲ نیز در هشت ماده به تصویب رسید که مانند قانون اصلاحی سال ۷۲ یک ماده به مواد قانون صدور چک اضافه کرد و شش ماده از مقررات قبلی را اصلاح و در ماده هشتم کلیه قوانین و مقررات مغایر با خود را از تاریخ تصویب لغو کرد.

با مطالعه پیشینه تحولات قانونگذاری چک معلوم می‌شود که تا سال ۱۳۵۵ اصلاحات این قانون به طور کلی صورت گرفته و هر قانون جایگزین قانون قبلی شده است، ولی از سال ۷۲ به بعد همواره قانون چک به طور جزئی اصلاح شده است که این شیوه قانونگذاری در اصلاح مقررات چک مناسب به نظر نمی‌رسد. زیرا اصلاح جزئی زمانی انجام می‌گیرد که میزان مقررات اصلاحی نسبت به کل آن چشمگیر نباشد. برای مثال، قانون مدنی که بیش از هزار ماده دارد در سال ۱۳۷۰ به موجب «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» به طور جزئی اصلاح گردید. تعداد مواد اصلاحی، ۵۰ ماده است که در مقایسه با کل مواد این قانون، اصلاح جزئی توجیه پذیر است. ولی قانون صدور چک جمعاً بیست و دو ماده دارد که - به جز ماده واحده‌ها - در دو نوبت و در هر نوبت حدود یک سوم آن مورد اصلاح قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که حداقل در نوبت دوم (یعنی قانون اصلاحی جدید) قانونگذار باید مقررات کاملی را در قالب یک قانون واحد جایگزین تمام مقررات قبلی می‌کرد. برخی از استادان این پیشنهاد را در زمان اصلاحات قانونی سال ۱۳۷۲ نیز توصیه کرده بودند.^(۱)

۱. میرمحمدصادقی (حسین)، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، نشر ←

این شیوه اصلاح مقررات که قانونگذار در پیش گرفته است، یافتن مقررات حاکم را از مجموعه قوانین ناسخ و منسوخ دشوار نموده، استناد به شماره مواد قانونی را نیز غیر قابل فهم می‌کند. مثلاً در ماده یک قانون اصلاحی جدید، ماده سه قانون صدور چک به صورت دیگری تغییر یافته است. با توجه به اضافه شدن یک ماده به ابتدای قانون صدور چک در سال ۱۳۷۲ منظور قانونگذار از ماده سه قانون صدور چک ماده دو آن است. این در حالی است که در ماده چهار قانون اصلاحی جدید وقتی از ماده یازده قانون صدور چک نام برده شده منظور همان ماده یازده قانون صدور چک ۱۳۵۵ است. اگر اضافه شدن یک ماده به شماره مواد، مطابق قانون اصلاحی ۱۳۷۲، پذیرفته شده باید به جای ماده یازده یک شماره به آن اضافه و ماده دوازده عنوان می‌شد. در حالی که اصلاح کلی قانون از بروز چنین اشکالهایی جلوگیری می‌کند.

۳. سر رسید چک

هرچند برخی نویسندگان منکر ایده اعتباری در چک نیستند^(۱) ولی این سند وسیله پرداخت نقدی بوده و ایده اعتباری در آن وجود ندارد. بر همین اساس، قانون تجارت در مندرجات قانونی چک به جز تاریخ صدور آن تاریخ دیگری به عنوان سر رسید پیش‌بینی نکرده و در ماده ۳۱۱ مقرر داشته: «در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادر کننده برسد. پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.» در آراء قضائی متعددی هم چکهای وعده‌دار، به دلیل نداشتن تاریخ صدور، چک شناخته نشده‌اند.^(۲) ماده ۳۱۳ قانون تجارت نیز مقرر می‌دارد: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.» همچنین در ماده دو قانون صدور چک ۱۳۵۵ آمده بود «صادر کننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه، محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد.»

← میزان، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۰۶.

۱. صفری (محمد)، حقوق بازرگانی (اسناد)، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۴۶.
۲. متین (احمد)، مجموعه رویه قضائی (قسمت کیفری)، انتشارات رهام، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴. هرچند این رویه در آراء قضائی تغییر یافت و چکهای صادره به تاریخ موخر مشمول مقررات چک تلقی شد.

با تمام صراحت‌های قانونی عملاً چک در روابط مالی به صورت وعده‌دار استفاده شده و تاریخ مندرج در آن سر رسید تلقی می‌شود. در گذشته قانونگذار همواره در پی بازگرداندن چک به جایگاه اصلی خود بوده است. از همین رو در قانون صدور چک ۱۳۵۵ دست از حمایت کیفری دارنده چک و وعده‌دار برداشت و مطابق ماده دوازده آن قانون در صورت اثبات وعده‌دار بودن چک، صادر کننده قابل تعقیب کیفری نبود. این راهکار ثمری نداشت و نه تنها از تعداد چک‌های وعده‌دار کاسته نشد که صادر کنندگان با انگیزه فرار از مسئولیت کیفری مبادرت به صدور چنین چک‌هایی می‌کردند. از همین رو صدور چک‌های وعده‌دار در قانون اصلاحی سال ۱۳۷۲ ممنوع شد و صادر کننده در صورت شکایت ذی‌نفع و عدم پرداخت، به جزای نقدی یا حبس محکوم می‌گردید. این شیوه نیز توفیقی نداشت و همچنان چک‌های وعده‌دار در معاملات استفاده شد.

در قانون اصلاحی جدید در اقدامی دور از انتظار چون قانونگذار نتوانسته بود به مقصود خود برسد چک را سندی و وعده‌دار شناخت. به موجب ماده یک این قانون «صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد» و طبق ماده دو قانون اصلاحی جدید که یک ماده به قانون صدور چک تحت عنوان ماده سه مکرر اضافه نموده مقرر شده است: «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود» و بدین ترتیب ماده ۳۱۳ قانون تجارت که مقرر می‌داشت: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.» به طور ضمنی منسوخ گردید.

این تحولات قانونی در حالی است که شرایط صدور چک در قانون تجارت تغییر نیافته است و چک همچنان یک تاریخ بیشتر ندارد که تا پیش از اصلاح قانون صدور چک، تاریخ صدور بود و اکنون سر رسید تلقی می‌شود. از طرفی قانونگذار در اسنادی که دارای سر رسید هستند (مانند برات و فته طلب) قید تاریخ صدور را جزء شرایط الزامی سند می‌داند. در صورت شناسایی چک به عنوان سند دارای سر رسید باید تاریخ صدور هم مانند اسناد مذکور جزء مندرجات قانونی آن به شمار آید چرا که در غیر این صورت با مقرراتی ناهماهنگ مواجه می‌شویم و احتساب

برخی مواعید دشوار می‌گردد. برای مثال، طبق ماده ۳۱۵ قانون تجارت، مبدأ رعایت مواعید جهت رجوع به ظهرنویسان چک از تاریخ صدور آن احتساب شده است که اگر چک فاقد تاریخ صدور باشد مبدأ رعایت مهلت‌های قانونی نامعلوم خواهد شد. پس در اصلاح قوانین باید مقررات یک موضوع با هم بررسی شود و مزیت وضع قانون واحد برای یک موضوع از این منظر روشن می‌شود.

۴. محل چک

به استناد ماده ۳۱۰ قانون تجارت، چک در استرداد وجهی که صادرکننده نزد محال‌علیه دارد یا واگذاری آن به دیگری صادر می‌شود. پس وجود محل در موقع صدور چک ضروری است.^(۱) این نکته به صراحت در ماده دو قانون صدور چک چنین آمده بود: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد...» در ماده یک قانون اصلاحی جدید این عبارت بدین قرار اصلاح شد: «صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد.» در مقایسه دو عبارت مذکور روشن می‌شود که قانونگذار بر خلاف گذشته محل چک را فقط وجه نقد می‌داند که صادرکننده باید در تاریخ مندرج در چک نزد بانک محال‌علیه داشته باشد و اعتبار قابل استفاده، دیگر نمی‌تواند به عنوان محل چک تلقی شود.

در گذشته ممکن بود صاحب حساب جاری در بانک، اعتبار قطعی غیر قابل برگشت داشته باشد و به استناد آن چک صادر نماید و با اینکه حساب جاری او فاقد موجودی بود چکهای صادر شده توسط وی از طرف بانک پرداخت می‌شد و سپس

۱. در حکم شماره ۱۲۹۰ مورخ ۱۳۱۷/۶/۱۳ شعبه یک دیوان عالی کشور آمده است «... مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت صدور نوشته از طرف تاجر به عنوان چک وقتی چک محسوب است... که صادرکننده در موقع صدور آن ورقه نزد محال‌علیه وجه و اعتباری داشته باشد...» و نیز در حکم شماره ۱۶۸۶ مورخ ۱۳۱۵/۱۰/۳ شعبه هشتم دیوان عالی کشور مقرر شده است «به موجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجهی را که نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد می‌کند و یا به دیگری واگذار می‌نماید و بدیهی است که شامل اوراقی که بدون داشتن وجه صادر می‌شود نخواهد بود.»

اصل وجه پرداختی به علاوه بهره آن حسب تأخیر صاحب حساب از او دریافت می‌گشت. اخذ بهره از دارنده حساب جاری موجب ربوی گشتن معامله و مغایرت آن با شرع بود. از طرفی عدم تعلق بهره به وجه پرداختی بانک موجب تضییع بانک می‌شد و لذا عملاً بانکها تمایلی به پرداخت وجه چک به اتکای اعتبار صادرکننده آن نداشتند. در قانون اصلاحی جدید نیز اعتبار قابل استفاده که معمولاً با توثیق مالی از صاحب حساب در بانک برای او ایجاد می‌شد حذف گردید و فقط وجه نقد به عنوان محل چک باقی ماند.

۵. بزه صدور چک پرداخت نشدنی یا بلامحل

به موجب ماده دو قانون صدور چک ۱۳۵۵ صادرکننده چک علاوه بر اینکه باید در تاریخ صدور چک معادل مبلغ آن در بانک محال‌علیه محل می‌داشت نباید تمام یا قسمتی از وجه را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد. همچنین صادرکننده نباید چک را به نحوی تنظیم کند که بانک از پرداخت وجه خودداری نماید، در غیر این صورت بانک در زمان ارائه چک، گواهی عدم پرداخت تنظیم و به دارنده تسلیم می‌کند. صدور چک به هر یک از صورتهای فوق پرداخت نشدنی محسوب می‌شد و مطابق ماده هفت اصلاحی (موضوع ماده دو قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، مصوب ۱۳۷۲) صادرکننده قابل تعقیب کیفری بوده با شکایت ذی‌نفع به شش ماه تا دو سال حبس و جزای نقدی معادل یک چهارم وجه چک یا کسر موجودی محکوم می‌گردید.

ماده مذکور در قانون اصلاحی جدید بدین صورت تغییر یافت: «هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد...». با این اصلاحیه قانونگذار از میان انواع چکهای پرداخت نشدنی، تنها صدور چک بلامحل را جرم تلقی کرده، از سایر فروض جرم‌زدایی نموده است. پس با لازم‌الاجرا شدن قانون جدید اگر چک به دلایلی نظیر عدم تطبیق امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک، اختلاف در مندرجات چک یا خط خوردگی آن، با عدم پرداخت از سوی بانک مواجه شود، دارنده از حمایت کیفری قانونگذار برخوردار نخواهد بود.

به موجب این ماده صدور چکهای بلامحل جرم است؛ حال آنکه طبق ماده یک همین قانون برای صدور چک، وجود محل ضرورتی ندارد و کافی است صادرکننده در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد. پس اگر صادرکننده چک در زمان صدور آن، در بانک وجه نقد نداشته باشد اقدام به صدور چک بلامحل کرده، ولی با تأمین محل در سر رسید و پرداخت چک، قابل تعقیب کیفری نیست و اصولاً عمل ارتكابی جرم نیست. در نتیجه ماده هفت باید مقرر می‌داشت که: «عدم پرداخت چک در تاریخ مندرج در آن به دلیل فقد یا کسر موجودی جرم و صادرکننده در صورت شکایت ذی‌نفع به شرح زیر قابل مجازات است».

در مقررات قبلی، صدور چک بلامحل جرم بود و زمان ارتكاب بزه، هنگام صدور آن محسوب می‌شد. اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه مورخ ۱۳/۶/۱۳۵۳ اعلام کرده: «بزه صدور چک بلامحل از تاریخ صدور چک تحقق می‌یابد نه از تاریخ کشف بی‌محل بودن آن. به عبارت دیگر عدم پرداخت چک از طرف بانک کاشف از وقوع جرم در تاریخ صدور و شرط تعقیب آن است نه رکن قانونی جرم و معقول نیست که عمل شاکی یا بانک موجب تحقق جرم صاحب حساب باشد.»^(۱) با تصویب مقررات اصلاحی جدید، صادرکننده چک با نداشتن موجودی در بانک مجاز به صدور چک است و اگر چک در تاریخ مندرج در آن محل نداشت و پرداخت نشد صادرکننده قابل تعقیب کیفری است. به عبارت دیگر زمان ارتكاب بزه، تاریخ مندرج در آن است. البته برخی از استادان معتقدند در هر حال چون نتیجه مجرمانه صدور چک بلامحل در زمان صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک محقق می‌شود پس در همین زمان جرم به منصفه ظهور می‌رسد.^(۲)

۶. تغییر مجازات

در ماده شش قانون صدور چک و ماده هفت اصلاحی (موضوع ماده دو قانون

۱. ساسان‌نژاد، امیر هوشنگ، مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، فردوسی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳.

۲. میرمحمدصادقی، حسین، همان، ص ۳۱۲.

اصلاحی ۱۳۷۲) مجازات صدور چک پرداخت نشدنی شش ماه تا دو سال حبس و جزای نقدی معادل یک چهارم وجه چک یا کسر موجودی تعیین شده بود، اما در اصلاح اخیر جزای نقدی حذف و در خصوص مجازات حبس شقوق زیر مقرر شد: الف) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد صادرکننده به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد صادرکننده به حبس از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ج) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد صادرکننده به حبس از یک تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده چک اقدام به اصدار چکهای بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چکها ملاک عمل خواهد بود. حسن تفکیک مجازاتها به تناسب مبالغ چکهای صادره آن است که تعیین مجازات را برای دادگاه رسیدگی کننده تسهیل کرده، به دلیل متناسب گشتن میزان حبس با مبلغ چک پرداخت نشده مجازاتهای تعیینی عادلانه تر خواهد بود. با توجه به اینکه یکی از دلایل بازنگری قانون صدور چک، کاستن از تعداد زندانیان چک بود، چنین تصور می شد که قانونگذار برای تحقق هدف فوق، مجازات حبس را حذف کرده یا کاهش دهد و بر مجازات نقدی تأکید بیشتری کند ولی عملاً جزای نقدی از مجازاتها حذف گردید. مجازاتهای نقدی تعیین شده نیز با افزایش نرخ تورم در سالهای آتی مدام نیاز به بازنگری خواهند داشت.

ممنوعیت صادرکننده چک پرداخت نشده از داشتن دسته چک به مدت دو سال مندرج در بند ج ماده سه قانون اصلاحی جدید نیز در مقایسه با ماده بیست و یک قانون صدور چک، (موضوع ماده هشت قانون اصلاحی ۱۳۷۲) مناسب به نظر نمی رسد زیرا به موجب ماده بیست و یک «بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز نمایند.» بدین ترتیب اگر شخصی چند فقره چک بلامحل که جمع مبالغ مندرج در

آنها کمتر از پنجاه میلیون ریال است صادر نماید تا سه سال از داشتن حساب جاری محروم می‌شود، در حالی که اگر یک فقره چک به ارزش بیش از پنجاه میلیون ریال صادر شود در صورت عدم پرداخت، صادر کننده به دو سال محرومیت از داشتن حساب جاری محکوم می‌گردد.

۷. خسارات

طبق ماده یازده قانون صدور چک در صورت پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه به دارنده یا فراهم نمودن موجبات پرداخت این مبالغ و یا تودیع آن در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد و خسارات مذکور در این ماده صدی دوازده مبلغ چک در سال از تاریخ ارائه چک به بانک تعیین شده بود. از آنجا که طبق نظریه شورای نگهبان پرداخت خسارت تأخیر تأدیه خلاف شرع است^(۱) ماده چهار قانون اصلاحی جدید عبارت «از قرار صدی دوازده در سال» را از ماده یازده قانون صدور چک حذف کرد و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در الحاق یک تبصره به ماده دو قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک را مینا قرار داد.

به موجب مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از اینکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید.^(۲) به موجب قانون استفساریه تبصره الحاقی نیز که در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ به تصویب مجمع رسید منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده» خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه قانونی است.^(۳)

علت اینکه عین مصوبه در متن قانون اصلاحی جدید تصریح نشده است رد

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۳۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۳۱.

۲. روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۴۶ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۶.

۳. روزنامه رسمی شماره ۱۵۷۱۶ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۷.

احتمال ایراد شورای نگهبان است. البته اینکه آیا مجلس شورای اسلامی می‌تواند مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام را به موارد مشابه تسری دهد یا خیر موضوعی است که از مجال این نوشتار خارج است و باید در قلمرو مباحث حقوق اساسی به آن پرداخت. به هر تقدیر شورای نگهبان با تأیید قانون اصلاحی جدید سرایت مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را از ماده هفت به ماده یازده قانون صدور چک پذیرفته است.

۸. احیاء ماده ۱۲

ماده پنج قانون اصلاحی جدید، ماده سیزده سابق را تغییر داد. در این اصلاحیه مجدداً ماده دوازده قانون صدور چک ۱۳۵۵ که در سال ۱۳۷۲ اصلاح شده بود احیا گردید. تنها تفاوت ظاهری آن با ماده ۱۲ استفاده از حروف ابجد به جای شماره‌گذاری بندهای آن و جایگزینی کلمه «چنانچه» به جای «هرگاه» در بندج است که هدف از این تغییر شکلی معلوم نیست.

در ماده دوازده قانون صدر چک ۱۳۵۵ صادر کننده چکهای سفید امضاء، مشروط، بابت تضمین، بدون تاریخ و وعده‌دار قابل تعقیب کیفری نبود. ظاهراً قانونگذار با عدم حمایت کیفری از دارندگان چنین چکهایی در پی راهکاری جهت جلوگیری از صدور چکهای مذکور بود ولی عملاً در روابط مالی از این چکها و خصوصاً چک وعده‌دار به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شد.

در سال ۱۳۷۲ قانونگذار به منظور تحکیم وضعیت چک و بازگرداندن آن به جایگاه اصلی خود به عنوان وسیله پرداخت نقدی، صدور چکهای فوق را به جز چک بدون تاریخ ممنوع کرد و صادر کننده را در صورت شکایت ذی‌نفع و عدم پرداخت مستحق مجازات حبس یا جزای نقدی دانست. کیفری شدن این چکها ناشی از منطق جرم‌انگاری قانونگذار و موجب توسعه قلمرو حقوق کیفری شد. اما این راه‌حل نه تنها باعث اعاده اعتبار چک نشد که بار پرونده‌های محاکم را زیادتراً آمار زندانیان را افزونتر کرد و در عمل تعطیلی حق طلبکاران را به بار آورد.

در قانون اصلاحی جدید، قانونگذار از مشی سابق عدول کرده و با هدف جرم‌زدایی، از بعد کیفری چک کاست و از جمله در اصلاح ماده سیزده به مقررات

قانون صدور چک ۱۳۵۵ بازگشت و مقرر کرد که: «در موارد زیر صادر کننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد.

ب - هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ه - در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.»

یکی از اهداف قانونگذار در کاستن از ابعاد کیفری چک، کم کردن تعداد زندانیان مربوط به این سند می‌باشد. به نظر می‌رسد با وجود قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، نمی‌توان در این زمینه خوشبین بود زیرا مطابق ماده دو این قانون «هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود... و آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده... و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم‌له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد.»^(۱) دارنده چک می‌تواند با استناد به این قانون از دادگاه تقاضای حبس صادر کننده چک را تا زمان پرداخت وجه آن بنماید. اکنون نیز بعضی از صادرکنندگان چک، دوران محکومیت خود را گذرانده و صرفاً به استناد قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در زندان به سر می‌برند.

دارندگان چک بیشتر به دلیل حمایت کیفری قانونگذار از ایشان به این سند اعتماد می‌نمودند. با محدودیت قلمرو کیفری چک در قانون اصلاحی جدید از اعتماد قبلی به چک کاسته می‌شود. هرچند که تجربه نشان داده است تعقیب کیفری صادر کننده علاوه بر تالی فاسدهایی که دارد و بدانه‌ها اشاره شد. در جلوگیری از

صدور چکهای پرداخت نشدنی و بلامحل نیز چندان مؤثر نبوده است.

۹. قرار تأمین

به موجب ماده ۱۸ قانون صدور چک، موضوع ماده هفت قانون اصلاحی سال ۱۳۷۲ «در صورتی که وجه چک در بانک تأمین نشده باشد مرجع رسیدگی مکلف است وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی (که تا تعیین تکلیف نهایی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید...» در قانون اصلاحی جدید، تمام ماده ۱۸ همراه با تبصره آن حذف شد و اخذ تأمین در مورد جرائم مربوط به صدور چک مشمول مقررات آیین دادرسی کیفری گردید. بدین ترتیب دادگاه می تواند حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه را (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ نماید.

این تدبیر قبلاً نیز در مقررات چک سابقه داشت. طبق ماده واحده اصلاح ماده ۱۷ قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۸/۴/۳۱ شورای انقلاب، وجه الضمان و ضمانت نامه بانکی به وثیقه (اعم از وجه نقد و مال منقول یا غیر منقول یا ضمانت نامه بانکی) تبدیل شده بود. البته قدرت قانونی این ماده واحده تا آخر سال ۱۳۵۸ بود و کاربرد آن فقط برای چکهایی بود که تا تاریخ تصویب ماده واحده صادر شده باشند.^(۱)

در گذشته یکی از دلایلی که موجب متواری شدن صادر کننده چک بلامحل می شد صدور قرار وجه الضمان و یا ضمانت نامه بانکی بود. با اصلاحیه اخیر، قاضی اختیار دارد مانند سایر جرائم با اخذ کفیل یا وثیقه تا پایان رسیدگی و صدور حکم، متهم را آزاد نماید که بدین ترتیب امکان تحصیل رضایت شاکی برای صادر کننده چک بیشتر خواهد بود.^(۲) هر چند که ممکن است دادگاهها برای استیفای

۱. مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات ۱۳۵۹.

۲. شبانی (ماشاءالله)، «نگرشی اصلاحی به قانون صدور چک»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره

حقوق دارنده چک - که از محل وجه الضمان نقدی و ضمانت نامه بانکی به راحتی انجام پذیر است - همچنان تمایل به صدور قرار تأمین وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی داشته باشند که رویه قضائی آن را روشن خواهد ساخت.

۱۰. حذف استمهال

از آنجا که ممکن بود صادر کننده چک در نتیجه اشتباه در محاسبه یا سهل انگاری در تأمین محل، بدون سوء نیت موجبات برگشت چک را از بانک فراهم آورده باشد در قانون صدور چک ۱۳۵۵ دادن مهلتی - (برای پرداخت دین) - به وی طرح گردید که پیش از آن در مقررات ما سابقه نداشت. در ماده ۱۷ قانون صدور چک که عیناً در مقررات اصلاحی سال ۱۳۷۲ مورد تأیید قرار گرفت «... در صورتی که متهم برای پرداخت وجه چک درخواست مهلت نماید مرجع رسیدگی در صورت اقتضاء می تواند با اخذ تأمین مناسب دیگر تا یک ماه به او مهلت دهد...»

غرض قانونگذار از دادن مهلت مزبور، پرداخت دین است لذا برای دادن مهلت، متهم بایستی دین را پذیرفته باشد. عملاً متهمین از فرصت یک ماه برای انکار دین، اثبات ادعاهای خود و جمع آوری دلایل استفاده نموده یا سعی داشتند پرونده را به بهانه‌ای از صورت کیفری خارج کنند و لذا معمولاً قضات از اختیار مزبور در دادن مهلت به صادر کننده چک استفاده نمی کردند. البته اگر صادر کننده به جای سوء استفاده از مهلت مزبور در مقام پرداخت وجه چک برمی آمد پذیرش استمهال می توانست درصد بالایی از دعاوی مربوط به چک را خاتمه دهد. به هر حال در قانون اصلاحی جدید با حذف ماده ۱۸ اصلاحی (موضوع ماده ۷ قانون اصلاحی سال ۱۳۷۲) استمهال از مقررات چک حذف شد.

۱۱. منع تغییر نشانی

مطابق با تبصره الحاقی ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق^(۱) متهم می توانست محل اقامت خود را تغییر دهد و به مرجع رسیدگی اعلام کند. در ماده بیست و یک قانون صدور چک ۱۳۵۵ آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه

۱. این تبصره در سال ۱۳۱۱ به ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ملحق و در سال ۱۳۳۵ اصلاح گردید.

اقامتگاه قانونی او محسوب می‌شد و کلیه ابلاغات به این نشانی انجام می‌گرفت. البته متهم می‌توانست با استناد به تبصره ماده ۱۲۵ قانون مذکور نشانی‌ای جز آنچه در بانک محال‌علیه اظهار شده است تعیین نماید. از آنجا که معمولاً تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعلل در مرحله تحقیق صورت می‌گرفت و موجب اطاله رسیدگی می‌گشت، در قانون اصلاحی جدید این اختیار از متهم گرفته شد و لذا اقامتگاه قانونی متهم چک همان نشانی اظهار شده در بانک محال‌علیه است و او حق تغییر نشانی را نخواهد داشت هر چند با روند فعلی اگر واقعاً نشانی متهم تغییر یابد ابلاغهای قانونی دچار مشکل می‌گردد.

۱۲. دست آورد:

با مطالعه و بررسی قانون اصلاحی جدید و مقایسه آن با مقررات قبلی چک و با در نظر گرفتن اهداف قانونگذار از اصلاحیه اخیر می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

الف) شیوه اصلاح قانون صدور چک به طور جزئی نامناسب بوده و بهتر بود قانونگذار مقررات کاملی را در قالب قانون واحدی برای چک وضع می‌کرد.

ب) با اینکه چک وسیله پرداخت نقدی و جایگزین پول در روابط اقتصادی است ولی در قانون اصلاحی جدید با شناسایی آن به عنوان وسیله پرداخت مدت‌دار، به جایگزین فته طلب تبدیل گردید.

ج) برخلاف ظاهر قانون، صدور چک بلامحل جرم نیست بلکه صادرکننده باید در تاریخ مندرج در آن، محل را که صرفاً می‌تواند وجه نقد باشد در بانک محال‌علیه تأمین کند.

د) با هدف جرم‌زدایی از مقررات، صدور چک پرداخت نشدنی جز در موردی که چک به تاریخ روز صدور، محل نداشته باشد جرم نیست. این سیاست موجب کاهش اعتماد به این سند خواهد شد و با وجود قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بعید به نظر می‌رسد که از آمار زندانیان چک نیز کاسته شود.

ه) جزای نقدی از مجازات چک حذف و مجازات حبس با مبلغ آن متناسب شد این تدبیر هرچند در اجرای عدالت و تسهیل در رسیدگی و تعیین مجازات مؤثر به نظر می‌رسد اما کاستن از مجازات حبس و بقای مجازات نقدی می‌توانست به

غرض قانونگذار نزدیکتر باشد.

و) صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه وجه چک به علاوه سایر خسارت‌ها که قبلاً در مورد ماده هفت قانون صدور چک به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده بود به ماده یازده تسری یافت.

هرچند که امکان تسری مصوبات مجمع مذکور به سایر مقررات توسط مجلس شورای اسلامی جای تأمل دارد.

ز) قرار تأمین چک، مشمول مقررات عام قانون آیین دادرسی کیفری شد و استمهال صادرکننده چک برای پرداخت وجه آن به دلیل ناکارآمدی از مقررات حذف گردید.

ح) جهت جلوگیری از اطاله رسیدگی، متهم به صدور چک بلامحل نمی‌تواند نشانی خود را به غیر آنچه در بانک محال‌علیه اظهار شده است تغییر دهد.